

متن پرسش

وحید یامین پور سکانشی از فیلم «طعم گیلاس» اثر مشهور عباس کیارستمی را منتشر کرده که در آن مردی خاطره خودکشی ناموفقش را برای کسی که به فکر خودکشی است نقل می‌کند و توضیح می‌دهد چگونه با چشیدن اتفاقی چند توت شیرین زندگی را احساس کرده است و از فکر خودکشی بیرون آمده است. یامین پور نوشته است: «خدا در چشیدن شیرینی یک توت رسیده است... خدا در مفاهیم متافیزیک نیست... خدا را می‌توان در متن زندگی پیدا کرد... در گشودگی چشم‌ها همه‌ی جهان پر از امید و سرزندگی می‌شود...» کاملاً با این نگاه موافق هستم که با انتزاعیات نمی‌توان به خدا رسید و به قول عرفایی مانند سید احمد کربلایی: فدایت! مسائل راه آخرت آموختنی نیست بلکه نوشیدنی است (کهکشانش نیستی، ص ۳۶۲). اما کیارستمی که مدعی «زندگی و دیگر هیچ» بود به مرگ و دنیای پس از آن کاری نداشت، همچنانکه در فیلم «باد ما را خواهد برد» گفت: کی به آن دنیا رفته و کی برگشته؟! در حالی که تا نمیریم به خدا نمی‌رسیم. زندگی خالص در مرگ اختیاری است و زندگی این دنیا ناخالص است. این چیزی بود که کیارستمی نفهمید تا اینکه مرگ ناگهان گریبانش را گرفت و خودش گفت مانند قماربازی شدم که همه چیزش را باخت! در پایان همین فیلم طعم گیلاس می‌بینیم که بعد از اقدام به خودکشی، صحنه عوض می‌شود و مرد از قبر بلند می‌شود و گروه فیلمسازی را در حال کار می‌بیند! گویا دنیای پس از مرگ فراتر از دنیای سینما نیست!

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان‌طور که آقای دکتر یامین پور و پیش از آن آقای مارتین هایدگر متذکر شده‌اند؛ ما اگر از طریق حکمت وارد هنر شویم و از جمله سینما، می‌توانیم از سیطره نیست‌انگاری جهان مدرن عبور کنیم، وگرنه همان هنر، ادامه نیست‌انگاری خواهد بود. موفق باشید